

## فساد سیاسی و اداری: تأثیرات متقابل و نقش عوامل اجتماعی

عباس خندان\*

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۹/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۲۱

چکیده:

فساد مشکلی بزرگ و فراگیر در دنیاست. به سختی می‌توان درباره اثرات مخرب آن اغراق کرد. اگرچه مطالعاتی زیادی هستند که فساد و اثرات مخرب آن را مورد بررسی قرار داده‌اند، اما اشکال و انواع گوناگون آن از یکدیگر متمایز نشده‌اند. دو نوع فساد یکی پرداخت رشوه برای دور زدن قانون و دیگری نفوذ به حاکمیت برای تغییر قانون را می‌توان از یکدیگر متمایز کرد. نوع اول به فساد اداری مشهور است اما فساد نوع دوم را می‌توان نوعی از فساد سیاسی (بعد از انتخابات) دانست. فساد اداری یا پرداخت رشوه عملی انفرادی است در حالی که نوع دوم یعنی نفوذ و تسخیر حاکمیت معمولاً با تبانی و همکاری افراد و گروه‌ها صورت می‌گیرد. این مقاله در کنار بررسی تأثیرات متقابل این دو نوع فساد، به تبیین علل هر دو با تأکید بر ریشه‌های اجتماعی می‌پردازد. با بررسی هر دو نوع فساد در ۵۷ کشور نتایج بدست آمده نشان می‌دهد از یک رابطه مکمل بین فساد سیاسی و اداری دارد. علاوه بر این عوامل اجتماعی مانند قبح رشوه‌خواری بر رواج فساد اداری و فرهنگ تبانی بین شرکت‌ها بر رواج فساد سیاسی بسیار تأثیرگذارند.

طبقه‌بندی JEL: D73, D72, M1

واژه‌های کلیدی: فساد اداری، تسخیر دولت، عوامل اجتماعی

## ۱- مقدمه

وجود انواع و اشکال مختلف از فساد موجب شده تا نتوان آن را به راحتی در قالب یک تعریف گنجانند. اما یک وجه اشتراک بین تمام مصادیق فساد می‌توان یافت و آن وجود انگیزه و منافع سوء برای برخی افراد است. افراد برای برآورده کردن این منافع یا رشوه می‌دهند یا اینکه سعی می‌کنند تا با تسخیر دولت جریان منافع و قوانین را به سمت خود جهت دهند. نقطه تمایز بین این دو نوع از فساد نه ابزار آن بلکه سطح سیاسی و اداری افراد درگیر است. در نوع اول کسانی که رشوه می‌گیرند کارمندان یا بازرسان مجری قانون هستند در حالی که در نوع دوم برای در دست گرفتن جریان منافع سطوح بالاتر سیاسی و اداری هدف قرار دارند.

هر دو نوع اما بدون اغراق نتایج بسیار نامطلوبی بر اقتصاد دارند. آثار رواج فساد بر رشد اقتصادی<sup>۱</sup>، سرمایه‌گذاری<sup>۲</sup>، خدمات بخش عمومی، کارکردهای بازار<sup>۳</sup> و نابرابری درآمد<sup>۴</sup> و اقتصاد غیررسمی<sup>۵</sup> و موارد متعدد دیگر بصورت تجربی اثبات شده است. بر اساس برآورد بانک جهانی (۲۰۰۲) در سطح جهان سالانه حدود هزار میلیارد دلار بصورت رشوه پرداخت می‌شود. یا اینکه بر اساس گزارش سازمان ملل متحد (گزارش توسعه جهانی ۹۷، ص ۳۶) در کشورهای توسعه و صنعتی ۱۵٪ شرکت‌ها ناچارند برای تداوم فعالیت خود رشوه پرداخت کنند در حالی که این رقم برای کشورهای آسیایی ۴۰٪ و برای کشورهای شوروی سابق بسیار بالاتر حدود ۶۰ درصد است. نوع دوم از فساد سیاسی یعنی تسخیر و نفوذ دولت نیز بسیار رایج است. برای مثال تنها در ایالات متحده لابی و تلاش برای نفوذ به دولت در سال ۲۰۰۹ نسبت به ۲۵ سال پیش از خود حدود ۷ برابر افزایش را نشان می‌دهد (دروتمن ۲۰۱۰، ص ۶۱).

نمودار شماره (۱) رواج و گسترش این دو نوع از فساد را در برخی کشورها نشان می‌دهد. محور افقی شاخصی است از رواج فساد اداری و رشوه در میان کشورها

<sup>1</sup> Meon and Sekkat (2005) and Campos *et al.* (2010).

<sup>2</sup> Everhart et al (2009), Asiedu and Freeman (2009).

<sup>3</sup> Lee and Ng (2006), Meon and Sekkat (2004).

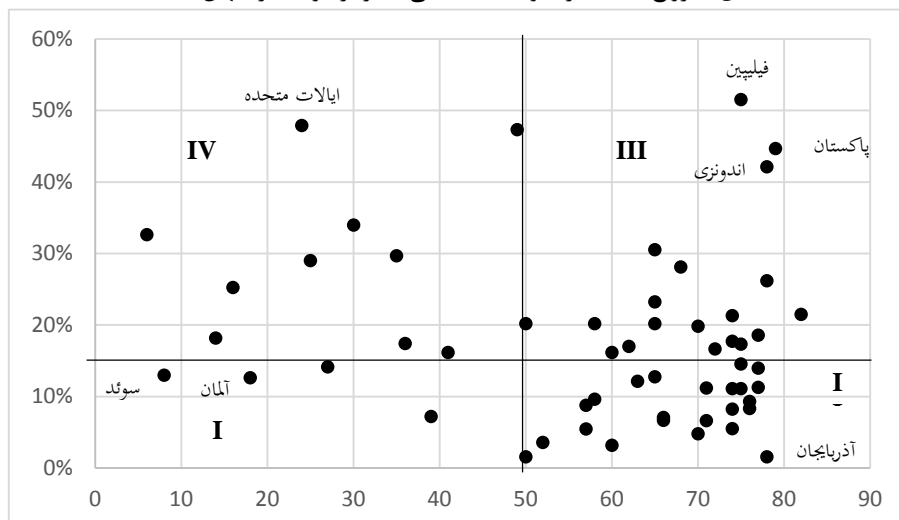
<sup>4</sup> Dosbon and Ramlogan-Dosbon (2010), Uslaner (2011).

<sup>5</sup> Dreher and Schneider (2010).

<sup>6</sup> Drutman (2010)

که از شاخص پاک بودن یا عدم فساد موسسه شفافیت<sup>۷</sup> (۲۰۰۵) گرفته شده است یعنی  $(Corruption=100-CPI)$ . محور عمودی درصد شرکت‌هایی است که بر دولت نفوذ و تأثیر دارند. این شاخص نیز از بررسی محیط کسب و کار جهانی گرفته شده که توسط بانک جهانی در سال ۲۰۰۲ ارائه شده است.<sup>۸</sup> کشورها را می‌توان به چهار گروه تقسیم کرد. مرز جداکننده محور عمودی میانه آن شاخص است.

شکل ۱: رواج فساد اداری و فساد سیاسی تأثیر بر دولت در جهان



گروه اول کشورهایی هستند مانند سوئد و آلمان که هیچ‌کدام از انواع فساد در آنها رواج ندارد. گروه دوم از کشورها مانند آذربایجان فساد اداری در آنها بسیار رایج است اما نوع دوم فساد یعنی تسخیر دولت کمتر صورت می‌گیرد. گروه سوم کشورهایی هستند مانند پاکستان و فیلیپین که هر دو نوع فساد در آنها بسیار شایع است. در این کشورها هم قانون‌گذاری و تخصیص منابع در سطوح بالای حاکمیت و دولت با فساد همراه است و هم اجرای قانون در بدنه حکومت با رشوه همراه است. و گروه آخر یعنی گروه چهارم کشورهایی هستند مانند ایالات متحده که در آن نوع اول فساد یعنی فساد اداری و سطح پایین رایج نیست اما دولت در قانونگذاری تحت نفوذ و تأثیر افراد و گروه‌های پرقدرت است.

<sup>7</sup> Corruption Perception Index (CPI) reported by Transparency Institute

<sup>8</sup> World Business Environment Survey (2002)

اگرچه مطالعات مربوط به رانت‌جویی از یک سابقه تاریخی ۴۰ ساله و بیشتر برخوردار است، اما بررسی‌های مقایسه‌ای بین لابی و رشوه یا ارتباط بین این دو در ادبیات نادیده گرفته شده است. تاکنون "این دو روش تأثیرگذاری بر قانون یا بصورت جداگانه مطالعه شده‌اند یا اینکه یکسان و مشابه پنداشته شده‌اند" (هرستاد و سونسون ۲۰۱۱، ص ۱)<sup>۹</sup>. ارتباط و تاثیرات متقابل بین این دو نوع از فساد در عین اهمیت اما هنوز چندان مشخص نیست. برخی مطالعات از جمله هرستاد و سونسون (۲۰۱۱) و بندسن و همکاران (۲۰۰۹)<sup>۱۰</sup> لابی و رشوه را دو استراتژی مختلف برای نفوذ به دولت در نظر گرفته‌اند و با بررسی آمار و اطلاعات در سطح بنگاه نشان داده‌اند که یک رابطه جایگزینی بین این دو استراتژی برقرار است. اما با نگاهی به شکل ۱ می‌توان گفت که جایگزینی بین فساد اداری و سیاسی نمی‌تواند حداقل در سطح کلان کشوری کامل باشد. اگرچه در برخی کشورها یکی از دو نوع فساد (مناطق دوم و چهارم) رواج دارد اما در برخی دیگر از کشورها هیچکدام از این دو نوع فساد (منطقه یک) و در برخی دیگر هر دو نوع فساد (منطقه سوم) رایج است. این مقاله با استفاده از داده‌های کلان کشوری به بررسی ارتباط بین دو نوع فساد اداری و سیاسی می‌پردازد تا تصویری کاملتر از تمام متغیرهای موثر بدست آید.

در این میان تمرکز این مقاله بر تأثیر عوامل اجتماعی بر رواج هر دو نوع از فساد است. یک دلیل برای این امر یعنی توجه به عوامل اجتماعی این است که ما در این مطالعه به بررسی فساد سیاسی و اداری در سطح کشوری می‌پردازیم. زمانی که می‌خواهیم از رفتار بنگاه در سطح خرد گذشته و به بررسی عوامل تأثیرگذار در سطوح بزرگتر صنعت و کشوری بپردازیم قاعدتا نه فقط داده‌ها و مشخصات خود بنگاه که این بار رفتار بنگاه در ارتباط با دیگر بنگاه‌ها و در گروه‌ها و اجتماع نیز اهمیت می‌یابد. موضوعی که اغلب مطالعات در مطالعات اقتصادی نادیده گرفته شده و از این جهت این مقاله را می‌توان از سایر مطالعات معدود در این زمینه متمایز کرد. و دلیل دوم این است که فساد یک رابطه نزدیک با سرمایه اجتماعی دارد که گاه باعث شده برخی این دو را مترادف در نظر گیرند. به عنوان مثال بورنرکوف<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۳) در اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی از فساد به عنوان تنها نشانگر یا یک نشانگر اصلی

<sup>۹</sup> Harstad & Svensson (2011)

<sup>۱۰</sup> Bennedsen *et al.* (2009)

<sup>۱۱</sup> Bjørnskov (2003)

استفاده می‌کنند. از آنجایی که سرمایه اجتماعی توانایی برای همکاری و سطح اعتماد و صداقت در جامعه را اندازه می‌گیرد، ثابت شده "که یکی از عوامل تعیین کننده فساد است که به لحاظ آماری قوی و به لحاظ میزان تأثیرگذاری بسیار بزرگ است" (بورنzkوف ۲۰۱۱، صفحه ۳). در ادبیات مربوط به فساد اما اغلب مطالعات یا به نقش اقتصاد و توسعه پرداخته‌اند که آن گونه که دیدیم نتایج آن مبهم است و یا به بررسی تاثیر عواملی مانند ساختار قانونی و سیاسی<sup>۱۲</sup> و مذهبی<sup>۱۳</sup> بر فساد پرداخته‌اند که همه از عوامل داده شده هستند یعنی برای یک مدت طولانی ثابت بوده و امکان تغییر به عنوان سیاست‌گذاری را ندارند.

اما سرمایه اجتماعی به مفهوم "هنجارهای حاکم بر رفتارها و تعاملات افراد در جامعه" قابلیت سرمایه‌گذاری را دارا است. اوزلانر (۲۰۰۱) به عنوان نخستین مطالعه در این زمینه دریافت که سرمایه اجتماعی - این که تا چه حد مردم جامعه به دیگر شهروندان اعتماد دارند - فساد را تا حد زیادی کاهش می‌دهد. مطالعات دیگری نیز انجام شده اما به دلیل محدودیت داده‌های آماری اغلب بر مدل‌های نظری یا آزمایشگاهی<sup>۱۴</sup> استوارند.

بطور مشخص این مقاله تلاش می‌کند تا به دو سوال پاسخ دهد. نخست این که رابطه بین دو نوع فساد اداری و سیاسی در بعد کلان چگونه است و دوم این که نقش عوامل اجتماعی که اغلب در مطالعات گذشته مورد غفلت واقع شده چیست و آیا با در نظر گرفتن متغیرهای اجتماعی می‌توان تصویری کامل تر از ارتباط بین فساد سیاسی و اداری بدست آورد و رشد و توسعه این دو نوع از فساد را در جوامع مختلف روشنتر ساخت. ساختار مقاله در ادامه به این صورت است. در بخش دوم ابتدا بصورت دقیق تر این دو نوع از فساد را از یکدیگر متمایز کرده، ریشه‌های مشترک و غیرمشترکشان را بصورت نظری مورد ارزیابی قرار داده و در آخر بطور روشن به مساله تأثیر عوامل اجتماعی بر رواج فساد پرداخته خواهد شد. قسمت سوم به ارائه یک مدل تجربی می‌پردازد و قسمت چهارم نتایج حاصل از برآورد مدل تجربی را ارائه می‌کند. قسمت پنجم و پایانی به جمع‌بندی نتایج می‌پردازد.

<sup>12</sup> Fisman & Gatti (2002), Bonaglia et al. (2009). Brunetti & Weder (2003)

<sup>13</sup> Treisman (2000) and Paldam (2001)

<sup>14</sup> برای مثال نگاه کنید به بانرجی (۲۰۱۶).

## ۲- فساد اداری و سیاسی: تمایزها، اشتراکات و نقش عوامل اجتماعی

فساد اداری و سیاسی در ظاهر و محتوا شباهت‌هایی دارند. در هر دو انگیزه و منافع فردی موجب انحراف قانون از منافع عمومی شده و در هر دو این انحراف در عوض یک جریان فاسد پولی یا نوعی جانبداری غیرپولی به وقوع پیوسته است. اما تفاوت‌ها و تمایزات آشکاری نیز وجود دارند که موجب شده رواج و گسترش این دو نوع از فساد در سطح جهان بسیار متفاوت باشد.<sup>۱۵</sup>

تفاوت نخست این است که فساد اداری یعنی رشوه دادن در ازای دور زدن قانون در بدنه یا سطوح اجرایی پایین اتفاق افتاده است حال آنکه تسخیر دولت و تلاش برای انحراف تخصیص منافع معمولاً در سطوح بالایی دولت و حاکمیت صورت می‌گیرد. تفاوت دوم این است که فساد اداری و رشوه جرم محسوب می‌شود اما فساد سیاسی چون در سطوح بالا و معمولاً بصورت نفوذ صورت می‌گیرد تا پرداخت پول مشمول مصادیق فعالیت‌های مجرمانه نمی‌شود.

تفاوت سوم از این واقعیت ریشه می‌گیرد که فساد اداری یعنی پرداخت رشوه و دور زدن قانون بصورت انفرادی انجام می‌شود. اما نوع دوم یعنی فساد سیاسی معمولاً بصورت جمعی با همکاری و تبانی افراد صورت می‌گیرد. این حرکت جمعی نیز معمولاً دو دلیل دارد. نخست اینکه تأثیر گذاشتن و تسخیر سطوح بالای حاکمیتی قدرت زیادی را می‌طلبد و بنابراین افراد و گروه‌ها بدون تبانی و همکاری شانسی ندارند. دلیل دوم هم این است که نفوذ به دولت و منحرف کردن تخصیص منافع نه نفع شخصی که در بیشتر موارد یک گروه را منتفع می‌سازد.

این سه تفاوت باعث می‌شود که فساد اداری و فساد سیاسی ریشه‌ها و علل متفاوتی داشته باشند اما می‌توان انتظار داشت که رشد و رواج این دو مرتبط با یکدیگر باشد. تفاوت در اهداف یعنی تمرکز بر بدنه دولت در فساد اداری و سطوح بالای حاکمیتی در فساد سیاسی باعث شده رابطه جانشینی بین این دو نوع فساد توسط برخی اقتصاددانان مفروض قلمداد شود. این فرض بر این منطبق استوار است که اگر افراد و گروه‌ها در فساد سیاسی یعنی نفوذ و تسخیر دولت برای تغییر قانون موفق باشند دیگر دلیل و انگیزه‌ای برای فساد اداری و دور زدن قانون ندارند. البته با استفاده از شکل ۱ نشان داده شده که این تصویر کامل و دقیق نیست و عوامل

<sup>۱۵</sup> برای جزئیات بیشتر در مورد تفاوت‌های فساد اداری و سیاسی می‌توانید به کمپس و جوانونی (۲۰۰۷)، بندسن و همکاران (۲۰۰۹) و هرستاد و سونسون (۲۰۱۱) مراجعه کنید.

تأثیرگذار فراوان دیگری هستند که سطح فساد اداری و فساد سیاسی یک کشور را تعیین می کنند.

این عوامل مختلف را می توان در سه دسته متغیرهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی طبقه بندی کرد. از مهمترین عوامل اقتصادی سطح تولید کشور است که به عنوان شاخصی از سطح توسعه یافتگی بر رواج فساد از هر دو نوع تأثیرگذار است. نتایج تجربی نشان می دهد که با افزایش درآمد از فساد اداری کاسته شده و بصورت جایگزین فعالیت ها و انگیزه های نفوذ به دولت یعنی نوع دوم افزایش می یابند که از جدیدترین آنها می توان به لوچیک و همکاران<sup>۱۶</sup> (۲۰۱۶)، دیوال و ابن<sup>۱۷</sup> (۲۰۱۱) و اسوالهین<sup>۱۸</sup> (۲۰۱۱) اشاره کرد. در مقابل ریشه رابطه بین فساد و توسعه اقتصادی را هرستاد و سونسون (۲۰۱۱) در ماهیت سرمایه و قدرت چانه زنی شرکت ها می دانند. شرکت های با سرمایه بالا مورد باج خواهی و رشوه گیری بدنه دولت قرار می گیرند اما همین شرکت ها در برابر سطوح بالای تصمیم گیری از قدرت چانه زنی بالایی برخوردارند. بر عکس شرکت های کوچک به سطوح بالای تصمیم گیری راه ندارند و راه خود را در بدنه اجرایی می جویند. از این نظر می توان انتظار داشت که شرکت های کوچک به فساد اداری و رشوه روی بیاورند اما شرکت های بزرگ نوع دوم یعنی تأثیر گذاردن بر دولت را ترجیح دهند. در نتیجه می توان گفت با افزایش تولید و توسعه یافتگی کشور و افزایش اندازه و سرمایه بنگاه ها، انتظار می رود که نفوذ به دولت به تدریج جایگزین فساد اداری گردد.

دومین طبقه از علل و عوامل مؤثر متغیرهای حاکمیتی و سیاسی هستند. متغیرهای حاکمیتی از آن رو تأثیرگذارند یک طرف فساد چه به شکل اداری و چه در سطوح بالا و حاکمیتی دولت قرار دارد. نحوه تصمیم گیری های دولت و ثبات سیاست های اتخاذ شده بسیار مهم هستند. بررسی رابطه فساد و حکمرانی از سابقه طولانی برخوردار است. در نظریه های کلاسیک این ادبیات فساد که خود در نتیجه حجم بالای دخالت در بازار به وجود می آید موجب افزایش کارایی یا در اصطلاح

<sup>16</sup> Lučić *et al.* (2016)

<sup>17</sup> De Vaal and Ebben (2011)

<sup>18</sup> Swaleheen (2016)

"روان کردن چرخ‌های اقتصاد"<sup>۱۹</sup> می‌شود. جوهانسون و همکاران<sup>۲۰</sup> (۲۰۱۴)، در هر و گاسبندر<sup>۲۱</sup> (۲۰۱۳) و مئون و ویل<sup>۲۲</sup> (۲۰۱۰) شواهدی ارائه می‌کنند که اثر روانسازی فساد را حداقل در کشورهای در حال توسعه با حکمرانی ضعیف تأیید می‌کنند. اما برخی دیگر از جمله برین و گیلاندرز<sup>۲۳</sup> (۲۰۱۲) حکمرانی بد را نتیجه فساد می‌دانند. در کنار این ابهام باید گفت که تأثیر این مقررات بر دو نوع از فساد سیاسی و اداری نیز یکسان نیست. در شرایط بی‌ثبات سیاست‌ها از عمر کوتاهی برخوردارند و در عمل تغییرات آن‌ها پیش‌بینی پذیر نیست و بنابراین نمی‌توان بر دولت تکیه کرد و به پشتوانه آن برای لابی و نفوذ سرمایه‌گذاری کرد. به همین دلیل مزیت سرمایه‌گذاری و تلاش برای نفوذ به دولت از بین می‌رود. در این شرایط شرکت‌ها و افراد به جای تلاش برای تأثیرگذاری بر دولتی که عمر کوتاهی دارد ترجیح می‌دهند قوانین نامطلوبشان را به صورت ارزنتر یعنی فساد اداری و ارتباط با بدنه دولت رفع کنند.<sup>۲۴</sup> و اما دسته آخر که این مقاله بنا دارد بصورت کاملتر به آن بپردازد نقش و تأثیر شاخصه‌های اجتماعی است. برای این منظور بر دو مورد از تفاوت‌های ذکر شده بین فساد اداری و سیاسی متمرکز خواهیم شد. نخستین تفاوت مجرمانه بودن و قبح اجتماعی فساد اداری در جامعه است. فساد اداری با ریسک شناسایی، دستگیری و مجازات روبروست. علاوه بر مجازات‌های قانونی، فساد اداری و رشوه به لحاظ اجتماعی نیز نادرست است و ممکن است با عکس العمل افراد جامعه روبرو شود. بنابراین می‌توان گفت که در جوامعی که قبح و نادرستی رشوه به عنوان یک سرمایه اجتماعی بالا باشد فساد اداری نیز کمتر رواج خواهد داشت. این نکته در مطالعات تجربی مختلف از جمله بانوری و اکل<sup>۲۵</sup> (۲۰۱۲)، بار و سرا<sup>۲۶</sup> (۲۰۱۰) تأیید شده است. راتستین<sup>۲۷</sup> (۲۰۱۰) تأکید می‌کند که "غلبه بر فساد به سطح بالایی از اعتماد

<sup>19</sup> Greasing the wheels

<sup>20</sup> Johnson *et al.* (2014)

<sup>21</sup> Dreher and Gassebner (2013)

<sup>22</sup> Méon and Weill (2010)

<sup>23</sup> Breen and Gillanders (2012)

<sup>24</sup> در این زمینه نیز می‌توانید به بندسن و همکاران (۲۰۰۹)، کیزلی (۲۰۱۳) و بکمن و گریتس (۲۰۰۹) مراجعه کنید.

<sup>25</sup> Banuri and Eckel (2012)

<sup>26</sup> Barr and Serra (2010)

<sup>27</sup> Rothstein (2010)



اجتماعی نیاز دارد". پارک<sup>۲۸</sup> (۲۰۰۳) نیز در مطالعه بین کشوری خود بر این نکته تاکید می‌کند که عوامل اجتماعی مانند پایداری سیاسی-اجتماعی، سنت رعایت قانون و فرهنگ‌های ملی در کنار عوامل اقتصادی مانند درجه آزادی اقتصادی تأثیر زیادی بر فساد دارند. اما این تأثیر احتمالاً بر فساد سیاسی و اداری یکسان نیست زیرا یکی از مهمترین تفاوت‌های بین این دو جنبه مجرمانه بودن فساد اداری است. یک تفاوت دیگر بین فساد سیاسی و اداری جنبه انفرادی رشوه دهی و جنبه گروهی لابی یا نفوذ به دولت است. لابی و تحت تأثیر قرار دادن تصمیم‌های دولت معمولاً منفعتی را ایجاد می‌کند که منحصر به یک فرد نیستند و حداقل گروهی را بهرمنند می‌سازند. به عبارت دقیق‌تر منافع فساد سیاسی یک کالای عمومی برای گروهی از افراد با انگیزه‌های مشترک می‌باشد اما منفعت حاصل از رشوه و فساد سیاسی کاملاً جداپذیر است. به عنوان مثال یک صف را تصور کنید. افراد برای کم کردن هزینه زمانی منتظر ماندن در صف می‌توانند با پرداخت رشوه جای یک نفر دیگر را از آن خود کنند و یا این که با چانه زنی با سطوح بالاتر موجب شوند تا دیگر نیازی به ایستادن در صف نباشد. منافع رشوه یعنی تصاحب نوبت دیگران تنها منحصر به رشوه دهنده است اما منافع چانه زنی و تغییر قوانین عام بوده و همه از آن بهره می‌برند. جداناپذیری منافع باعث می‌شود تا هر نفر منتظر بماند تا دیگران برای تغییر قوانین تلاش کنند و آنها بدون پرداخت هزینه از منافع گروهی آن منتفع گردند. در اصطلاح به این انگیزه "سواری مجانی" گفته می‌شود که در ادبیات به عنوان یکی از مهمترین موانع همکاری شناخته می‌شود.<sup>۲۹</sup>

مطالعات گوناگون نشان می‌دهند که بنگاه‌ها نیز برای نفوذ و لابی بصورت همکارانه اقدام می‌کنند.<sup>۳۰</sup> برای مثال بومباردینی (۲۰۰۸)<sup>۳۱</sup> نشان داد که هرچه

<sup>28</sup> Park (2003)

<sup>۲۹</sup> چرایی همکاری بین افراد و تشکیل گروه از ادبیات گسترده‌ای برخوردار است که می‌توان آنها را در دو دسته یا دو نظریه طبقه بندی کرد. نظریه اول که به وبر (۱۹۱۸) و میشل (۱۹۱۱) بر می‌گردد درباره تشکیل گروه‌ها بر نقش رهبران تاکید دارد. این نظریه دوم مربوط به اولسون (۱۹۶۵) است که شکل و شمایل اقتصادی‌تر دارد و با مطرح کردن مفهوم "سواری مجانی" به بررسی رفتار همکارانه افراد می‌پردازد. برای خوانش مطالعات جدیدتر در این باره به کونیشی و تایچی (۲۰۱۱) و استبان (۲۰۰۹) مراجعه کنید.

<sup>۳۰</sup> برای اطلاع بیشتر درباره شیوه‌ها یا استراتژی بنگاه‌های لابی کننده نگاه کنید به دنگ و کندی (۲۰۰۹) و ماچر و مایو (۲۰۱۵).

<sup>۳۱</sup> Bombardini (2008).

درجه تمرکز در یک صنعت بیشتر باشد همکاری بین بنگاه‌ها بیشتر بوده و این به مشارکت بیشتر این صنایع در فعالیت سیاسی با تشکیل کمیته‌های فعالیت سیاسی (PAC)<sup>۳۲</sup> در آمریکا منجر شده است. به منظور پیشگیری از سواری مجانی و همچنین برخورداری از شانس بالاتر در لابی، افراد و بنگاه‌ها تلاش می‌کنند تا از طریق یک عمل گروهی به یک نفع گروهی دست بیابند. اما همکاری در میان فعالین اقتصادی خود یکی از متغیرهای و شاخصه‌های اجتماعی است. در جوامعی که گروه‌های ذی‌نفع بهتر و راحت‌تر می‌توانند همکاری و تباری کنند انتظار می‌رود که نوع دوم فساد یعنی تسخیر دولت رواج بیشتری داشته باشد.

### ۳- مدل تجربی

همانطور که گفته شد سابقه مطالعات مربوط به رانت‌جویی و فساد به سال‌ها پیش بر می‌گردد و تاکنون مطالعات فراوانی به بررسی آن‌ها پرداخته‌اند. اما نکته قابل تامل در این بررسی‌ها غفلت از تفاوت‌های بین لابی و رشوه به عنوان دو استراتژی نفوذ به دولت است. تاکنون "این دو روش تاثیرگذاری بر قانون یا صورت جداگانه مطالعه شده‌اند یا اینکه یکسان و مشابه پنداشته شده‌اند" (هرستاد و سونسون ۲۰۱۱، ص ۱). از این رو تعداد مقالاتی که به بررسی همزمان دو نوع از فساد پرداخته‌اند بسیار معدود است. هرستاد و سونسون (۲۰۱۱) لابی و رشوه را دو استراتژی جایگزین معرفی می‌کنند زیرا یک لابی موفق و تغییر قانون نامطلوب نیاز به رشوه و دور زدن قانون را از بین می‌برد. جایگزینی رشوه و لابی باعث شده تا برخی ادعا کنند که توسعه اقتصادی و نهادی باعث می‌شود که لابی جایگزین رشوه و فساد گردد. اگرچه این نظریه با مطالعات تجربی از جمله کمپس و جوانونی (۲۰۰۷)<sup>۳۳</sup> و بندسن و همکاران (۲۰۰۹) برای کشورهای OECD تایید شده، اما برخی همچنان اعتقاد دارند که وجوهی از مکمل بودن بین فساد و لابی وجود دارد.<sup>۳۴</sup>

رابطه بین لابی و رشوه مبهم و نامعلوم است. در این بخش ما از داده‌های کشوری برای پاسخ به دو سوال استفاده می‌کنیم. سوال اول اینکه ارتباط یا اثرات متقابل این دو نوع از فساد چه هستند و سوال دوم اینکه نقش عوامل اجتماعی در رواج و گسترش هر کدام چیست. برای برآورد تأثیرگذاری عوامل اجتماعی بر دو شاخص

<sup>32</sup> Political Action Committee (PAC)

<sup>33</sup> Campos & Giovannoni (2007)

<sup>34</sup> برای مثال مراجعه کنید به (2004). Damnia et al., (2007) Yu & Yu و (2013) Kiselev.

قبح رشوه خواری در جامعه و تبانی و همکاری برای نفوذ به دولت متمرکز خواهیم شد. معادله ساختاری فساد اداری و سیاسی در فرمول‌های زیر نشان داده شده‌اند.

$$Corr. = \alpha_0 + \alpha_1 Inf. + \alpha_2 GDP + \alpha_3 JE. + \alpha_4 N. Procedures + \alpha_5 Bribe A. \quad (1)$$

$$Inf. = \beta_0 + \beta_1 Corr. + \beta_2 GDP + \beta_3 Access\ to\ Gov. + \beta_4 Reg. Uncertainty + \beta_5 Health\ Exp. + \beta_6 Business\ Co.$$

جایی که:

Corr. = فساد اداری

Influence = نفوذ و فساد سیاسی

GDP = تولید ناخالص داخلی

JE. = کارایی سیستم قضایی در مبارزه با فساد

N. Procedures = تعداد مراحل پیش از شروع کسب و کار

Bribe A. = پذیرش و توجیه پذیری رشوه دهی

Access to gov. = سختی دسترسی به دولت

Reg. Uncertainty = پیش بینی پذیری مقررات

Health Exp. = مخارج عمومی سلامت

Business Co. = همکاری تجاری

دو متغیر وابسته عبارتند از فساد اداری (corruption) که از شاخص عدم فساد موسسه شفافیت (۲۰۰۵) گرفته شده و فساد سیاسی که درصد شرکت‌هایی هستند که بر دولت نفوذ دارند. ضرایب این دو متغیر  $(\alpha_1, \beta_1)$  دربرگیرنده رابطه بین دو نوع فساد یا تاثیر فساد سیاسی بر رواج فساد اداری و بر عکس را اندازه می‌گیرند. همانگونه که گفته شد آنچه که از ادبیات و البته مطالعات درون بنگاهی نتیجه گرفته شده یک رابطه جایگزین بین این دو متغیر است. از آنجایی که این دو یعنی رشوه به مجری قانون و لابی و نفوذ در سطح قانونگذاری اعمال می‌شوند می‌توان انتظار داشت که یک رابطه جایگزینی بین این دو استراتژی برای نفوذ به دولت در سطح بنگاه وجود داشته باشد. اما در این مقاله ما با داده‌های کلان سروکار داریم و می‌توان انتظار داشت که این دو نوع از فساد به عنوان دو نهاد مکمل یکدیگر را تقویت کنند. از این رو از ارائه یک فرضیه در این مورد فعلا اجتناب می‌کنیم.

متغیرهای مستقل دیگر را همانطور که گفته شد می‌توان در سه زیر گروه طبقه بندی و مورد ارزیابی قرار داد. دسته نخست عوامل اقتصادی است. متغیر اصلی این

دسته تولید کل کشور است. می‌توان انتظار داشت که با توسعه کشور و بهبود نهادها از فساد اداری کاسته شود. اما آیا پیشرفت کشور و توسعه یافتگی آن باعث می‌شود که فساد سیاسی یا نفوذ به دولت جایگزین فساد اداری گردد؟ در مطالعات مختلف بر این تأکید شده است.<sup>۳۵</sup> با گنجاندن این متغیر در معادلات بالا نه تنها این فرضیه یکبار دیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد بلکه می‌توان اثر عوامل اقتصادی متعدد را نیز کنترل کرد. این امر به منظور هدف دوم مقاله یعنی بررسی عوامل اجتماعی ضروری است.

دسته دوم از عوامل تأثیرگذار و متغیرهای کنترل به عوامل سیاسی و حاکمیتی اختصاص دارد که در واقع ساختار و مشخصه‌های دولت را در بر می‌گیرند. در این دسته پنج متغیر قرار دارند که دو مورد به فساد اداری و سه مورد به فساد سیاسی اختصاص دارد. متغیر نخست کارایی سیستم قضایی در مبارزه با فساد است. این متغیر جدیت دولت را در مبارزه با فساد نشان می‌دهد. اطلاعات مربوط به این متغیر توسط بانک جهانی در شاخص‌هایی به نام فساد و اخلاق<sup>۳۶</sup> (۲۰۰۴) جمع‌آوری شده است. از آنجایی که فساد اداری جرم است می‌توان انتظار داشت که این شاخص به معنی افزایش هزینه مورد انتظار رشوه دهی باشد و بنابراین تأثیر منفی بر فساد اداری خواهد داشت. ارتباط بین فساد و کارایی سیستم قضایی در مطالعات مختلفی مانند ویگت و همکاران (۲۰۰۴)<sup>۳۷</sup> و سانگ (۲۰۰۲)<sup>۳۸</sup> مورد بررسی قرار گرفته است. متغیر دوم بطور مستقیم به نقش دولت در اقتصاد ارتباط دارد. نظریه‌های کلاسیک اقتصاد با اعتقاد به نظم بازار علت اصلی فساد را در حضور دولت در اقتصاد می‌دانند. مطالعات زیادی به بررسی تأثیر اندازه بخش عمومی بر اقتصاد پرداخته‌اند که با وجود یافتن شواهد تجربی برای این فرضیه انتقادهای زیادی نیز بر آن‌ها وارد است.<sup>۳۹</sup> در این مقاله ما از یک شاخص عینی‌تر که به کیفیت حضور دولت اشاره دارد استفاده می‌کنیم. برخی بر این عقیده‌اند که نه اندازه دولت بلکه کیفیت قوانین و اجرای آن

<sup>۳۵</sup> برای مثال مراجعه کنید به هرستاد و سونسون (۲۰۱۱)، بندسن و همکاران (۲۰۰۹)، کمپس و جوانونی (۲۰۰۷ و ۲۰۰۸).

<sup>۳۶</sup> Corporate Corruption/Ethics Indices

<sup>۳۷</sup> Voigt *et al.* (2004)

<sup>۳۸</sup> Sung (2002)

<sup>۳۹</sup> برای شواهدی در تأیید این نظریه مراجعه کنید به مونتینولا و جکمن (۲۰۰۲) و برای مطالعه انتقادهای برای مثال نگاه کنید به گرینگ و تاگر (۲۰۰۵).

است که فساد آور است دجانکو و همکاران (۲۰۰۲)<sup>۴۰</sup> دریافتند که تعداد مراحل، زمان و هزینه صرف شده برای شروع یک کسب و کار جدید از مهمترین علل فساد هستند. سونسون (۲۰۰۵)<sup>۴۱</sup> نیز نشان داد که یک رابطه مثبت بین فساد و تعداد روزهای مورد نیاز برای ثبت شرکت وجود دارد. به عبارت دیگر به منظور جلوگیری از فساد قوانین باید ساده و از لحاظ اجرایی آسان باشند. تعداد مراحل مورد نیاز برای شروع و ثبت فعالیت شرکت‌ها را می‌توان نشانه پیچیدگی مقررات دانست و می‌توان انتظار داشت که هرچه ارتباط افراد و کارمندان دولت و مراحل اداری بیشتر باشد احتمال بروز فساد و دادن رشوه بیشتر می‌شود. این متغیر نیز از شاخص کسب و کار (۲۰۰۵) بانک جهانی بدست آمده است.

سه متغیر دیگر نحوه تصمیم‌گیری دولت را نشان می‌دهند که بر فساد سیاسی بسیار تأثیرگذار است. نخستین متغیر میزان علاقه دولت برای مشارکت دادن دیگران در تصمیم‌گیری‌هاست. این شاخص درصد شرکت‌هایی است که معتقدند دولت در سیاست‌گذاری‌هایش به حرف و نظر آن‌ها توجه نمی‌کند. این شاخص که در بررسی ارزش‌های جهانی (۲۰۰۵) گزارش شده سختی دسترسی به دولت را نشان می‌دهد و ازین رو یک رابطه منفی بین آن و نفوذ به دولت مورد انتظار است. تریزمن (۲۰۰۰)<sup>۴۲</sup> نشان داد که عدم توجه به بخش خصوصی و آنچه که او "دخالت دولت" می‌داند از جمله عوامل موثر بر فساد است. متغیر دوم پیش‌بینی پذیر بودن سیاست‌گذاری و ثبات سیاست‌ها است. این شاخص از گزارش کسب و کار بانک جهانی<sup>۴۳</sup> (۲۰۰۵) با پاره‌ای اصلاحات<sup>۴۴</sup> بدست آمده است. همانطور که گفته شد تنها در شرایط ثبات در تصمیم‌گیری است که بخش خصوصی حاضر به مشارکت و سرمایه‌گذاری در تصمیم‌گیری‌ها است. در شرایطی که سیاست‌های دولت پیش‌بینی پذیر نباشند و تصمیم‌ها از ثبات لازم برخوردار نباشند انتظار می‌رود که فساد اداری بر فساد سیاسی مرجح باشد. این تأثیر در بندسن و همکاران (۲۰۰۹) و کمپس

<sup>40</sup> Djankov *et al.* (2002)

<sup>41</sup> Svensson (2005)

<sup>42</sup> Triesman (2000)

<sup>43</sup> World Enterprise Surveys

<sup>44</sup> در این مطالعه از بنگاه‌ها خواسته شده پیش‌بینی پذیری و ثبات دولت در تصمیم‌گیری‌ها را در بازه صفر (بی‌ثباتی کامل) تا چهار (کاملاً پیش‌بینی پذیر) نمره دهند. شاخص استفاده شده در اینجا متوسط نمره‌ای است که بنگاه‌های هر کشور به دولت خود داده‌اند.

و جوانونی (۲۰۰۷ و ۲۰۰۸)<sup>۴۵</sup> نشان داده شده است. لمبیزدورف و کورنلیوس (۲۰۰۰)<sup>۴۶</sup> نیز نشان دادند که فساد در شرایطی که تصمیمات دولت مبهم و غیردقیق باشد افزایش خواهد یافت.

متغیر کنترل آخر میزان مخارج دولت در بهداشت و سلامت است. دولت‌هایی که تحت تأثیر گروه‌های پر قدرت و رانت‌جو قرار دارند بخش بزرگی از مخارج خود را در اجرای پروژه‌ها مصرف می‌کنند. در واقع انتقال بودجه از آموزش و بهداشت به دیگر فعالیت‌ها از رانت‌خواری و سلطه‌پذیری دولت حکایت دارد. برای مطالعه ارتباط فساد با تخصیص بودجه به استی و پورتر (۲۰۰۲)<sup>۴۷</sup>، گوپتا و همکاران (۲۰۰۱)<sup>۴۸</sup>، (۲۰۰۲)<sup>۴۸</sup> مراجعه کنید. داده‌های این متغیر نیز توسط شاخص‌های توسعه بانک جهانی<sup>۴۹</sup> (۲۰۰۵) گزارش شده است.

بسیاری از مطالعات به بررسی تأثیر متغیرهای سیاسی خاص مانند شیوه رای دهی، نظام حکومتی ریاست جمهوری در مقابل پارلمانی، نظام‌های متمرکز در برابر فدرالی بر فساد پرداخته‌اند. اگرچه نتایج بدست آمده بسیار جالب توجه است و اتفاقاً این عوامل هستند که رفتار دولت در تصمیم‌گیری را تعیین می‌کنند، این مقاله به چند دلیل بطور مستقیم بر رفتار دولت تمرکز گردید و به بررسی عوامل سیاسی مورد اشاره پرداخته نشد. نخست این که داده‌های این متغیرها اغلب به کشورهای توسعه یافته محدود است حال آن که برای مطالعه فساد به ویژه در کشورهایی که هر دو نوع از فساد رواج دارد معمولاً این آمار وجود ندارد. در صورت وجود نیز تطبیق آن با نمونه کشوری مورد استفاده در اینجا از لحاظ تعداد کشورها و زمان بررسی سخت است و در عمل موجب کاهش دامنه بررسی و حجم نمونه می‌شود. دوم این که نتایج حاصل از بررسی این متغیرها معمولاً در حوزه نظری باقی می‌مانند و نمی‌توان از آنها برای مبارزه با فساد و یا راهکار سیاستی استفاده کرد چرا که عملاً تغییر ساختار در حاکمیت بسیار زمانبر بوده و به عوامل زیادی بستگی دارد.

دسته سوم از عوامل موثر که مورد تمرکز این مقاله است به نقش عوامل اجتماعی اختصاص دارد. تأثیر ارزش‌های اجتماعی را می‌توان از دو دیدگاه مورد

<sup>45</sup> Campos and Giovannoni (2007, 2008)

<sup>46</sup> Lambsdorff and Cornelius (2000)

<sup>47</sup> Esty and Porter (2002)

<sup>48</sup> Gupta *et al.* (2001, 2002)

<sup>49</sup> World Development Indicators

ارزیابی قرار داد. از یک سو ارزش‌های اجتماعی نشان دهنده رویکردهای کلی در ارتباطات درون جامعه است. این ارزش‌هاست که نگرش کلی افراد را در ارتباط با یکدیگر و یا در مواجهه با دولت شکل می‌دهند. از سوی دیگر این ارزش‌ها در واقع شکل‌هایی استاندارد از رفتار و ارتباط هستند که تخطی از آن هزینه بر است. فساد و رشوه دهی به غیر از این که جرم است و با مجازات قانونی همراه است یک عمل بر خلاف ارزش‌های اجتماعی است و بنابراین می‌توان انتظار داشت که هزینه اجتماعی رشوه دهی را بالا ببرد. بررسی ارزش‌های جهانی<sup>۵۰</sup> (۲۰۰۵) که از سال ۱۹۹۵ در جریان است امکان ارزیابی نقش ارزش‌های اجتماعی را فراهم آورده است و تا کنون مطالعات زیادی از جمله ساند هولتز و تاجپرا (۲۰۰۵)<sup>۵۱</sup> و لمبزدورف (۲۰۰۲)<sup>۵۲</sup> از آن بهره برده‌اند.

متغیر مورد نظر این مقاله شاخصی است که میزان پذیرش و قابل قبول بودن رشوه‌خواری در جامعه را نشان می‌دهد. این شاخص درصد افرادی از جامعه است که در نظر آنان رشوه عملی قابل توجیه و قابل پذیرش است (امتیازی بالاتر از ۸ از مقیاس ۱۰). هرچه مقدار این شاخص بالاتر باشد به این معنی است که افراد برای رشوه دادن یا گرفتن با قیدهای اخلاقی کمتری روبرو هستند و همچنین برخورد و مجازات اجتماعی افراد فاسد شدید نیست. بنابراین انتظار است که در جوامعی که این شاخص در آنها بالاست یعنی رشوه قابل توجیه و پذیرش باشد فساد اداری رواج بیشتری داشته باشد.

متغیر اجتماعی دوم بر تفاوت سوم بین فساد اداری و سیاسی استوار است. رشوه و فساد اداری یک عمل انفرادی است اما فساد سیاسی به دلیل منافع گروهی درگیر در درجه اول یک عمل گروهی است و بنابراین تا حد زیادی به همکاری بین افراد و بنگاه‌ها بستگی دارد. بنابراین انتظار بر این است که میزان رواج تبانی و همکاری بین شرکت‌ها و گروه‌ها برای نفوذ به دولت تأثیر مثبتی بر فساد سیاسی داشته باشد. شاخص مورد استفاده درصدی از شرکت‌ها هستند که در سازمان‌های حرفه‌ای عضویت فعال دارند. اگرچه عضویت ممکن است به انگیزه‌های دیگری نیز صورت گیرد اما ارتباط با دولت از مهمترین دلایل می‌باشد. این شاخص نیز توسط

<sup>50</sup> World Values Survey

<sup>51</sup> Sandholtz and Taagepera (2005)

<sup>52</sup> Lambsdorff (2002)

گزارش کسب و کار بانک جهانی (۲۰۰۵) از حدود ۶۰ هزار شرکت بدست آمده است. به عنوان گام نخست به آمار توصیفی متغیرها می‌پردازیم که در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای مورد استفاده

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
فساد سیاسی	۱۷/۹۶	۱۲/۱۱	۱/۵۵	۵۱/۵۵
فساد اداری	۵۴/۷۳	۱۸/۴	۱۲	۸۳
GDP	۲/۵۵	۰/۱	۱	۴
کارآیی قضایی در مبارزه با فساد	۴۰/۴	۲۵/۸	۴/۸	۹۳/۲
تعداد مراحل ثبت کسب و کار	۱۰/۱۲	۳/۳	۳	۱۷
پذیرش و توجیه پذیری رشوه در جامعه	۲/۸	۱/۹	۰/۳	۸/۱
سختی دسترسی به دولت	۸۲/۳	۱۲/۹	۴۱/۸	۹۸/۲
نااطمینانی در مقررات	۱/۵۸	۰/۸	۰/۰۴	۳/۰۹
مخارج عمومی سلامت	۱۲/۷	۴/۸	۳/۶	۲۸/۰
همکاری تجاری	۵۱/۲	۲۱/۶	۱۷/۲	۹۷

مأخذ: داده‌های تحقیق

گام دوم قبل از برآورد معادلات، انتخاب روش برآورد و آزمون درست بودن فروض است. همانطور که گفته شد میزان رواج و گسترش فساد اداری و سیاسی ممکن است که با یکدیگر و بطور همزمان تعیین گردند. یعنی رواج یکی بر گسترش و بکارگیری دیگری تأثیرگذار باشد. این مشکل در اقتصاد سنجی درونزایی نامیده می‌شود. برای آزمون درونزا بودن یا ارتباط بین فساد اداری و سیاسی از آزمون دوربین-هاسمن استفاده می‌کنیم. روش کار به این صورت است که ابتدا با جایگزین کردن متغیرهای درونزا، یعنی وارد کردن متغیرهای درونزا به مدل، معادلات فرم خلاصه شده برآورد می‌شود. سپس مقادیر باقیمانده از برآورد معادله فرم خلاصه شده در معادله ساختاری مورد نظر به عنوان یک متغیر وارد می‌شود. در صورت معنی‌دار بودن ضریب مقادیر باقیمانده می‌توان نتیجه گرفت که دو متغیر درونزا هستند و باید بصورت همزمان برآورد شوند. با انجام دادن این عمل برای دو معادله ساختاری بالا مشخص شد که مقادیر باقیمانده در سطوح بالایی معنی‌دار هستند. برای رفع مشکل درونزایی و برآورد معادلات بصورت همزمان از روش 3SLS بهره می‌بریم. این برآورد با داده‌های مقطعی از مطالعه ۵۷ کشور<sup>۵۳</sup> برای سال ۲۰۰۵ انجام شده است. علت

<sup>۵۳</sup> کشورهای مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از آلبانی، آلمان، آذربایجان، آرژانتین، ارمنستان، ازبکستان، اسپانیا، استونی، اسلواکی، اسلونی، اکوادور، السالوادور، اندونزی، اوروگوئه، اوکراین، ایالات متحده، ایتالیا، برزیل،



انتخاب این سال محدودیت آمار است چرا که شاخص بکار گرفته شده برای اقتصاد سیاسی (درصد نفوذ شرکت‌ها بر دولت) در یک پژوهش موردی در آن سال انجام شده است. بخش بعدی به بررسی نتایج حاصل از برآورد می‌پردازد.

#### ۴- بررسی نتایج

نتایج حاصل از برآورد دو معادله ساختاری فساد اداری و فساد سیاسی در جدول ۲ آورده شده است. ابتدا رابطه بین دو نوع فساد را بررسی می‌کنیم. بر اساس نتایج بدست آمده، فساد سیاسی اثری مثبت بر فساد اداری دارد که ضریب آن نیز در سطح ۹۹ درصد خطا معنی‌دار است. هر پنج درصد افزایش در تلاش برای نفوذ به دولت دو نمره به فساد اداری می‌افزاید. شاید یک دلیل این نتیجه وجود گروه‌های پرنفوذ و خواست‌های سیاسی متعدد است. قاعدتاً در سیاستگذاری یک گروه پیروز خواهد شد و خواهد توانست قوانین را در راستای منافع خود تعیین کند. در این صورت گروه‌های شکست خورده در لابی بیکار نخواهند شد و سعی می‌کنند قانونی که با نفوذ دیگران تصویب شده را در اجرا دور بزنند. از این رو می‌توان نتیجه گرفت اگرچه در صورت پیروزی در لابی دیگر رشوه ضرورت ندارد (جایگزینی در سطح بنگاه) اما در سطح کلان لابی ممکن است حتی رشوه دهی دیگر بنگاه‌ها که منافعشان در قانون نادیده گرفته شده را تشدید کند.

جدول ۲: نتایج برآورد دو معادله ساختاری فساد اداری و فساد سیاسی

معادلات برآورد شده		
فساد سیاسی	فساد اداری	
	۰/۴۳ *** (۰/۱۱)	فساد سیاسی
۱/۰۴ *** (۰/۱۹)		فساد اداری
۱۹/۹ *** (۴/۶)	-۱۱/۸۷ *** (۱/۹۷)	GDP
	-۰/۳۲ *** (۰/۰۷)	کارآیی قضایی در مبارزه با فساد

بلاروس، بلغارستان، بولیوی، پاکستان، پاناما، پرتغال، پرو، ترکیه، ترینیداد و توباگو، جمهوری چک، جمهوری دومینیک، چین، روسیه، رومانی، سوئد، سنگاپور، شیلی، فرانسه، فیلیپین، قزاقستان، قرقیزستان، کاستاریکا، کانادا، کلمبیا، کرواسی، گرجستان، گواتمالا، لهستان، لیتوانی، مالزی، مجارستان، مکزیک، مولداوی، نیکاراگوئه، ونزوئلا، هائیتی، هندوراس.

	-۰/۱۶ (۰/۴)	تعداد مراحل ثبت کسب و کار
	۲/۱۱ *** (۰/۷۲)	پذیرش و توجیه پذیری رشوه در جامعه
-۰/۴۲ *** (۰/۱۲)		سختی دسترسی به دولت
-۷/۳ ** (۳/۳)		نااطمینانی در مقررات
-۲/۳۸ *** (۰/۴۲)		مخارج عمومی سلامت
۰/۲۳ *** (۰/۰۸)		همکاری تجاری
R-Squared = 0.85 P=0.000	R-Squared = 0.94 P=0.0000	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

یادداشت: اعداد داخل پرانتز انحراف معیار ضرایب است و سطوح معنی‌داری نیز با ستاره مشخص شده است (\*\*\*) معنی دار با کمتر از ۱ درصد خطا، \*\* معنی دار با کمتر از ۵ درصد خطا و \* معنی دار با کمتر از ۱۰ درصد خطا)

در معادله دوم نیز یک رابطه مثبت بین دو نوع فساد اداری و سیاسی وجود دارد که در سطح بالایی معنی دار است. افزایش یک نمره به شاخص فساد سیاسی موجب افزایش بیش از یک درصدی در رواج فساد سیاسی و نفوذ به دولت می‌شود. بنابراین نتایج بدست آمده نشان می‌دهند که دو نوع از فساد مکمل یکدیگرند. این نتیجه با نتایج هرستاد-سونسون (۲۰۱۱) در تناقض نیست زیرا در آن مطالعه رابطه جایگزینی بین رشوه و نفوذ به دولت در سطح بنگاه بدست آمده بود حال آنکه نتایج بدست آمده در اینجا در سطح کلان و بین کشوری است.

در مدل بالا یک دسته متغیرهای کنترلی وجود که نخست به بررسی آنها می‌پردازیم. نخستین متغیر کنترلی سطح تولید ناخالص داخلی کشورها است. نتایج نشان می‌دهد که توسعه یافتگی کشورها رابطه منفی با فساد اداری و رابطه مثبت با فساد سیاسی دارد. هر پله افزایش در سطح درآمد کشور (کم درآمد، درآمد متوسط پایین، درآمد متوسط بالا، و پردرآمد) حدود ۱۲ نمره از فساد اداری کاسته و حدود ۲۰ درصد به تلاش بنگاه‌ها برای نفوذ به دولت می‌افزاید. این نتایج همسو است با بسیاری از مطالعات دیگر که ضمن تأیید کاهش فساد اداری در اثر توسعه کشور و بهبود نهادها این فرضیه را مطرح می‌کردند که پیشرفت کشور و توسعه یافتگی باعث می‌شود تا فساد سیاسی یا نفوذ به دولت جایگزین فساد اداری گردد.

از میان دسته عوامل حاکمیتی مرتبط با شیوه تصمیم‌گیری و رفتار دولت ابتدا متغیرهای موثر بر فساد اداری را مورد بررسی قرار می‌دهیم. کارایی سیستم قضایی در مبارزه با فساد از جدیت حکومت در مبارزه با فساد و بالا بودن آن از شدید بودن مجازات مفسدان حکایت دارد. همانطور که انتظار می‌رفت ضریب این شاخص منفی و در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است. افزایش سه نمره (بین صفر تا صد) در ضریب کارایی سیستم قضایی می‌تواند ضریب فساد اداری را یک نمره کاهش دهد. متغیر سوم تعداد مراحل اداری ثبت شرکت‌ها است که به عنوان شاخصی از پیچیدگی مقررات مورد استفاده قرار گرفت. اثر آن بر رواج فساد اداری معنی‌دار نیست. این نتیجه فرضیه وقوع رشوه در نتیجه افزایش تعداد ارتباطات بین افراد و بدنه دولت را رد می‌کند. به عبارت دیگر می‌توان نتیجه گرفت که احتمال رشوه دادن نه با تعداد ارتباط بین دولت و افراد بلکه به عوامل دیگری وابسته است که کیفیت آن رابطه را مشخص می‌کنند.

در سمت دیگر یعنی فساد سیاسی می‌توان دید که استقلال دولت در تصمیم‌گیری و توجه به نظرات بخش خصوصی از اهمیت بالایی برخوردار است. ضریب سختی دسترسی به دولت بر طبق انتظار منفی و در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است. این شاخص درصدی از افراد یا شرکت‌ها هستند که در نظر آنان دولت در تصمیم‌گیری‌ها مستقل عمل می‌کند و به نظرات افراد مرتبط توجهی نمی‌کند. یک افزایش ده درصدی در سختی دسترسی به دولت فساد سیاسی و نفوذ را تا چهار درصد کاهش می‌دهد. علاوه بر این نحوه تصمیم‌گیری دولت نیز تأثیرگذار است. در شرایطی که تصمیم‌ها بدون قواعد و سلیقه‌ای اتخاذ می‌شوند بگونه‌ای که نتوان آن را پیش‌بینی کرد یا در شرایط بی‌ثباتی سیاسی که تصمیم‌ها از عمری کوتاه برخوردار باشند، انگیزه برای مذاکره و تحت تأثیر قرار دادن دولت کاهش می‌یابد. در این شاخص عدم اطمینان بین صفر تا چهار اندازه گرفته شده است. ضریب بدست آمده که در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار است نشان می‌دهد که افزایش یک پله‌ای در شاخص بی‌ثباتی می‌تواند بیش از هفت درصد از تلاش برای مذاکره و نفوذ به دولت بکاهد. متغیر آخر شاخصی است که انگیزه‌های رانت‌جویانه در دولت را اندازه می‌گیرد و به این منظور از آثار این رانتجویی‌ها که در تخصیص منابع بودجه مشهود و بسیار رایج است استفاده می‌شود. معمولاً میزان رانت در فعالیت‌های عمرانی و پروژه‌هایی که توسط دولت اجرا می‌شوند بیشتر است. به همین دلیل و بنابر مطالعات متعدد تجربی

فعالیت‌های رانت‌جویانه و تسخیر دولت موجب می‌شود که منابع از سمت کالاهای عمومی مانند آموزش و سلامت به سمت تعریف چنین پروژه‌هایی منحرف گردد. ضریب منفی و معنی دار در سطح ۹۹ درصد بدست آمده در این مطالعه نیز چنین نتیجه‌ای را تأیید می‌کند. افزایش حدود ۵ درصدی فساد سیاسی و رانت‌جویی موجب می‌شود که سهم بودجه بهداشت و سلامت از بودجه کل دولت تا دو درصد کاهش یابد.

گنجانیدن این متغیرها در مدل نه تنها امکان بررسی دوباره این فرضیه را فراهم آورد، بلکه اکنون می‌توان فرض ثابت ماندن سایر شرایط را تحقق یافته دانست زیرا اثر عوامل اقتصادی، نهادی و سیاسی متعدد کنترل شده است. این امر به منظور هدف دوم مقاله یعنی بررسی عوامل اجتماعی ضروری است. اکنون پس از بررسی هدف نخست مطالعه یعنی رابطه بین دو نوع فساد و آزمون متغیرهای کنترل، می‌توان به هدف دوم یعنی بررسی تأثیر شاخصه‌های اجتماعی بر رواج فساد پرداخت. در معادله فساد اداری انتظار بر این بود که نادرستی یا قبح رشوه‌خواری فساد اداری را کاهش دهد. این امر به دو دلیل است نخست اینکه محدودیت اخلاقی از اقدام و ارتکاب به رشوه‌خواری جلوگیری می‌کند و دوم هم بدین دلیل که ناپسند بودن رشوه‌خواری مجازات و تنبیهات اجتماعی را برای مفسدان شدیدتر کرده و هزینه این کار را برای آنان افزایش می‌دهد. ضریب بدست آمده مثبت و در سطح ۹۹ درصد معنی دار است و مقدار ضریب نیز نشان از بزرگ بودن این اثر دارد. افزایش ده درصدی در توجیه‌پذیر بودن و پذیرش رشوه شاخص فساد را ۲۱ نمره افزایش می‌دهد. البته باید گفت که افزایش ده درصدی یک تغییر بزرگ است چرا که با نگاه به آمار توصیفی می‌توان دریافت که حداقل مقدار این شاخص ۰/۳ و حداکثر آن ۸/۱ درصد است.

در معادله فساد سیاسی نیز تأثیر همکاری بین شرکت‌ها مطابق انتظار در سطح ۹۹ درصد معنی دار است. فساد سیاسی و نفوذ به دولت به دو دلیل نیاز به همکاری و تبانی بین افراد و گروه‌های قدرتمند دارد. نخست اینکه منافع حاصل از آن مختص یک نفر نیست بلکه گروهی از افراد از آن بهره‌مند می‌شوند. عمومی بودن منافع باعث می‌شود که افراد نیز آن را بصورت عمومی و با همکاری بین یکدیگر دنبال کنند بویژه اگر هزینه برآوردن آن یعنی نفوذ و متقاعد کردن دولت بالا باشد. در صورتی که دسترسی به دولت مشکل باشد انگیزه برای همکاری و تبانی افزایش می‌یابد.

نتایج تجربی بدست آمده نیز نشان می‌دهند که یک افزایش پنج درصدی در همکاری بین شرکت‌ها می‌تواند فساد سیاسی و نفوذ به دولت را بیش از یک درصد افزایش دهد. با نگاه به آمار توصیفی ارائه شده می‌توان دریافت که با توجه به مقدار حداقل ۱۷/۲ و حداکثری ۹۷ درصد این تغییر پنج درصد بزرگ نیست.

#### ۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اگرچه مطالعات فراوانی در زمینه فساد انجام شده، درک درستی از علل و آثار آن یا حتی شناخت کاملی از نوع و مصادیق آن وجود ندارد. بنابراین گام اول را این مقاله در جهت تمایز بین دو نوع فساد اداری و سیاسی برداشت. گفته شد که فساد اداری معمولاً در بدنه دولت و کارمندان میانی و رده پایین اتفاق می‌افتد. رشوه دادن معمولاً عملی انفرادی است و منافع آن نیز منحصر به رشوه دهنده است. فساد اداری یا رشوه همچنین با هدف دور زدن قانون انجام شده و بنابراین بر خلاف قانون و معیارهای اجتماعی است و جرم محسوب می‌شود.

در مقابل اما فساد سیاسی یا نفوذ به دولت با هدف رانت‌جویی و انحراف در تخصیص منابع در سطوح بالای سیاستی و تصمیم‌گیری اتفاق می‌افتد. این نوع از فساد معمولاً با همکاری و تبانی افراد یا گروه‌های قدرتمند صورت می‌گیرد. دلیل نخست برای همکاری این است که منافع آن یعنی تغییر در قانون منحصر به یک فرد نمی‌ماند و یک گروه از آن بهره می‌برند. و دلیل دوم هم این است که تحت تأثیر قرار دادن دولت نیاز به قدرت کافی و هزینه کرد بالا دارد و ازین روی همکاری و تبانی بین افراد با انگیزه مشترک را ضروری می‌نماید. علاوه بر این، فساد سیاسی ازین دست چون در سطوح بالای حاکمیتی و از طریق مذاکره و لابی با دولت صورت می‌گیرد الزاماً عملی مجرمانه و خلاف قانون نیست.

پس از متمایز کردن فساد اداری و سیاسی، در گام دوم این مقاله با جمع‌آوری داده‌های آماری و انجام آزمون تجربی به بررسی ارتباط بین این دو نوع از فساد و تعیین علل و ریشه‌های هر کدام پرداخت. در این بین تمرکز اصلی بر متغیرهای اجتماعی و تأثیر آن‌ها بر رواج فساد اداری و سیاسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهند که در درجه اول این دو نوع از فساد بر یکدیگر اثر مثبت دارند. در واقع فساد سیاسی و اداری به عنوان دو نهاد نامطلوب مکمل یکدیگرند. در بین متغیرهای کنترل نیز نقش تولید کشور نیز جالب توجه است. با افزایش درآمد و توسعه‌یافتگی کشورها از

فساد اداری و رشوه‌خواری کاسته و به فساد سیاسی افزوده می‌شود. دلیل نخست این است که با توسعه یافتگی کشورها کیفیت نهادی و اجرای قانون افزایش و بنابراین فساد اداری کاهش می‌یابد. علاوه بر این در کشورهای با درآمد بالا شرکت‌ها از قدرت بالا و توان هزینه کردن بیشتری در مسایل سیاسی و ارتباط با دولت برخوردارند. دلیل دوم نیز این است که رشوه و رانت‌جویی یا لابی در سطح شرکت در واقع دو استراتژی یا انتخاب جایگزین هستند. با محدود شدن پرداخت رشوه در نتیجه توسعه یافتن کشورها، شرکت‌ها یا افراد گزینه دیگری به جز مذاکره و چانه‌زنی با دولت در اختیار ندارند.

در ارتباط با متغیرهای اجتماعی نتایج بدست آمده مطابق انتظار بود. قبح یا نادرستی رشوه‌خواری در جامعه تأثیر فراوانی بر کاهش فساد اداری دارد. کاهش ده درصدی در بین افرادی که رشوه را عملی توجیه‌پذیر می‌دانند می‌تواند شاخص فساد را تا بیست نمره کاهش دهد. با نگاه به شاخص عدم فساد موسسه شفافیت می‌توان دریافت که این اختلاف بیست نمره‌ای می‌تواند رتبه یک کشور مانند سومالی در انتهای جدول را ۴۰ پله (از ۱۷۴ به ۱۳۳) یا رتبه ایران را ۷۵ پله (از ۱۳۳ به ۵۸) ارتقا دهد. رواج فساد سیاسی نیز بسیار به همکاری و تبانی بین شرکت‌ها وابسته است. یک افزایش ده درصدی در همکاری بین شرکت‌ها رواج فساد سیاسی را دو درصد افزایش می‌دهد. این نتایج نشان می‌دهند که عوامل اجتماعی می‌تواند تأثیر بسیار زیادی بر کاهش فساد از هر نوع داشته باشد.

## فهرست منابع:

- Asiedu, E. & J. Freeman. (2009). the Effect of Corruption on Investment Growth: Evidence from Firms in Latin America, Sub-Saharan Africa, and Transition Countries. *Review of Development Economics*, 13(2): 200-214.
- Banerjee, R. (2016). Corruption, Norm Violation and Decay in Social Capital. *Journal of Public Economics*, 13: 14-27.
- Banuri, S. & C. Eckel. (2012). The Effects of Sanctions on Bribery: US versus Pakistan. CBEES Working Paper Series 09-01.
- Barr, A. & D. Serra. (2010). Corruption and Culture: An Experimental Analysis. *Journal of Public Economics*, 94: 862-869.
- Beckmann, K. & C. Gerrits. (2009). Lobbying and Corruption as Substitute Forms of Rent-Seeking, in Schäfer, W., A. Schneider & T. Tobias [Eds]. *Markets and politics - Insights from a Political Economy Perspective*; Marburg; Metropolis-Verl.
- Bennedsen, M., S.E. Feldmann & D.D. Lassen. (2009). Strong Firms Lobby, Weak Firms Bribe: A Survey-Based Analysis of the Demand for Influence and Corruption. Mimeo, Melbourne Business School
- Bjørnskov, C. (2003). The Happy Few. Cross-Country Evidence on Social Capital and Life Satisfaction. *Kyklos*, 56: 3-16.
- Bjørnskov, C. (2011). Combating Corruption: On the Interplay between Institutional Quality and Social Trust. *Journal of Law and Economics*, 54: 135 - 159.
- Bonaglia, F., J. Braga de Macedo & M. Bussolo. (2009). How Globalisation Improves Governance, in L. Yueh (eds.) *The Law and Economics of Globalisation New Challenges for a World in Flux*. Edward Elgar Publishing.
- Breen, M. & R. Gillanders. (2012). Corruption, Institutions and Regulation. *Economics of Governance*, 13: 263-285.
- Brunetti, A. & B. Weder. (2003) A Free Press is Bad News for Corruption. *Journal of Public Economics*, 87: 1801-1824.
- Campos, N. & F. Giovannoni. (2007). Lobbying, Corruption and Political Influence. *Public Choice*, 131(1): 1-21.
- Campos, N., R.D. Dimova & A. Saleh. (2010). Whither Corruption? A Quantitative Survey of the Literature on Corruption and Growth. CEPR Discussion Paper No. DP8140.

- De Vaal, A. & W. Ebben. (2011). Institutions and the Relation between Corruption and Economic Growth. *Review of Development Economics*, 15: 108-123.
- Deng, G. & S. Kennedy. (2010). Big Business and Industry Association Lobbying in China: The Paradox of Contrasting Styles. *The China Journal*, 63: 101-125.
- Djankov, S., R. La Porta, F. Lopez-de-Silanes & A. Shleifer. (2002). The regulation of entry. *Quarterly Journal of Economics*, 117(1): 1-37.
- Dosbon, S. & C.R. Dosbon. (2010). Is there a Trade-Off Between Income Inequality and Corruption? Evidence from Latin America. *Economic Letters*, 107(2): 102-104.
- Dreher, A. & F. Schneider. (2010). Corruption and the Shadow Economy: an Empirical Analysis. *Public Choice*, 144(1): 215-238.
- Dreher, A. & M. Gassebner. (2013). Greasing the Wheels? The Impact of Regulations and Corruption on Firm Entry. *Public Choice*, 155: 413-432.
- Drutman, L. (2015). *The Business of America is Lobbying: How Corporations Became Politicized and Politics Became More Corporate*. New York; Oxford University Press.
- Esteban, J. & E. Hauk. (2009). Leadership in Collective Action. Barcelona Graduate School of Economics. Working paper No.362.
- Esty, D. & M. Porter. (2002). National environmental Performance Measurement and Determinants, in D. Esty & P. Cornelius (eds), *Environmental Performance Measurement: The Global Report 2001-2002*. Oxford and New York: Oxford University Press, 24-43.
- Everhart, S.S., J.M. Vazquez & R.M. McNab. (2009). Corruption, Governance, Investment and Growth in Emerging Markets. *Applied Economics*, 41(13): 1579-1594.
- Fisman, R. & R. Gatti. (2002). Decentralization and Corruption: Evidence Across Countries. *Journal of Public Economics*, 83: 325-345.
- Gerring, J. & S. Thacker. (2005). Do Neoliberal Policies Deter Political Corruption?. *International Organization*, 59: 233-54.
- Gupta, S., H. Davoodi & E.R. Tiongson. (2001). Corruption and the Provision of Healthcare and Education Services, in A.K. Jain (ed.), *The Political Economy of Corruption*. London: Routledge, 111-41.
- Gupta, S., H. Davoodi & R.A. Terme. (2002). Does corruption Affect Income Inequality and Poverty? *Economics of Governance*, 3: 23-45.
- Harstad, B. & J. Svensson. (2011). Bribes, Lobbying, and Development. *American Political Science Review*, 105(1): 46-63.



- Johnson, N.D., W. Ruger, J. Sorens & S. Yamarik. (2014). Corruption, Regulation, and Growth: An Empirical Study of the United States. *Economics of Governance*, 15: 51-69.
- Kiselev, E. (2013). Lobbying, Corruption, and Regulatory Constraints: An Analysis of Eastern European Business Associations. Available at SSRN <http://ssrn.com/abstract=2292514>
- Konishi, H. & T. Furusawa. (2011). Contributing or Free-Riding? Voluntary participation in A Public Good Economy. *Theoretical Economics*. *Econometric Society*, 6(2): 219-256.
- Lambsdorff, J.G. & P. Cornelius. (2000). Corruption, Foreign Investment and Growth, in K. Schwab, L. Cook, P. Cornelius, J.D. Sachs, S. Sievers & A. Warner (eds.), *The Africa Competitiveness Report 2000/2001*, joint publication of the World Economic Forum and the Institute for International Development. Harvard University. Oxford: Oxford University Press, 70–78.
- Lambsdorff, J.G. (2002). How Confidence Facilitates Illegal Transactions. *American Journal of Economics and Sociology*, 61(4): 829–54.
- Lee, C.M. & D. Ng. (2006). Corruption and International Valuation. Does Virtue Pay? Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=934468>.
- Lučić, D., M. Radišić & D. Dobromirov. (2016). Causality between Corruption and the Level of GDP. *Economic Research*, 29: 360-379.
- Macher, J. & J. Mayo. (2015). Influencing Public Policymaking: Firm-, Industry-, and Country-Level Determinants. *Strategic Management Journal*, 36(13): 2021-2038.
- Méon, P.G. & K. Sekkat. (2004). Does the Quality of Institutions Limit the MENA's Integration in The World Economy? *World Economy*, 27(9): 1475–98.
- Méon, P.G. & K. Sekkat. (2005). Does Corruption Grease or Sand the Wheels of Growth? *Public Choice*, 122: 69–97.
- Méon, P.G. & L. Weill. (2010). Is Corruption an Efficient Grease?. *World Development*, 38: Méon, P.G. & L. Weill. (2010). Is Corruption an Efficient Grease? *World Development*, 38: 244-259.
- Montinola, G. & R.W. Jackman. (2002). Sources of Corruption: A Cross-Country Study. *British Journal of Political Science*, 32: 147–70.
- Olson, M. (1965). *The logic of Collective Action: Public Goods and the Theory of Groups*. Harvard University Press

- Paldam, M. (2001). Corruption and Religion. Adding to the Economic Model. *Kyklos*, 54: 383-414.
- Park, H. (2003). Determinants of Corruption: A Cross-National Analysis. *Multinational Business Review*, 11: 29 – 48.
- Rothstein, Bo. (2010). Corruption, Happiness, Social Trust and the Welfare State: A Causal Mechanisms Approach. The Quality of Government Institute, QoG Working Paper Series 2010:9.
- Sandholtz, W. & R. Taagepera (2005). Corruption, Culture, and Communism. *International Review of Sociology*, 15(1): 109–31.
- Sung, H.E. (2002). A Convergence Approach to the Analysis of Political Corruption: A Crossnational Study. *Crime, Law and Social Change*, 38(2): 137–60.
- Svensson, J. (2005). Eight Questions About Corruption. *Journal of Economic Perspectives*, 19(3): 19–42.
- Swaleheen, M. (2011). Economic Growth With Endogenous Corruption: an Empirical Study. *Public Choice*, 146(1): 23-41.
- The World Bank (1997). World development Report. Oxford University Press
- The World Bank (2000). World Business Environment Survey
- The World Bank (2004). Corporate Corruption/Ethics Indices
- The World Bank (2005). World Development Indicators
- The World Bank (2005). World Enterprise Surveys
- Transparency International (2012). Corruption Perception Index.
- Treisman, D. (2000). The Causes of Corruption: A Cross-National Study. *Journal of Public Economics*, 76: 399–457.
- Uslaner, E.M. (2001). Trust and Corruption. Paper Presented at the Conference on Political Scandals, Past and Present at the University of Salford.
- Uslaner, E.M. (2011). Corruption and Inequality. CESifo DICE Report 9.2.
- Van Aaken, A., L. Feld & S. Voigt (2008). Power Over Prosecutors Corrupts Politicians: Cross Country Evidence Using A New Indicator. CESifo Working Paper Series, No.2245.
- World Values Survey Association (2005). World Values Survey. Official data file v.20090901; 2009, ([www.worldvaluessurvey.org](http://www.worldvaluessurvey.org)).